



چرا کردستان باید نبض خود را با اعتراضات سراسری تنظیم کند!

وریا نقشبندی

صفحه ۲



جرقه خیزش مردم خوزستان در اعتراض به بی آبی و قحطی به سرتاسر ایران کشیده شده است. خبرها حاکی است که تظاهرات های وسیع در شهرهای ایران، در تهران، قزوین، مشهد، اهواز، اصفهان، دهلران، شوشتر، رشت، تبریز، ایلام، ایران شهر و ... کماکان در جریان است. فریاد "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "این آخرین پیامه، هدف کل نظامه" در چهارگوشه آن مملکت، بنیادهای نظام ارتجاعی موجود را به لرزه درآورده است. اعتراضات گسترده مردم ایران چنان جسورانه، سریع و قدرتمند است که ماشین سرکوب حاکمیت را عملاً فلج کرده است. نه فقط این بلکه حتی دستگاه تولید دسیسه و تفرقه قومی، مذهبی و ملی این نظام و هر نیروی ارتجاعی دیگری نیز کارایی خود را از دست داده است.

اطلاعیه دفتر: جنگ آب در خوزستان جنگ مردم کردستان هم هست!

صفحه ۴



سیاست امروز ناسیونالیسم کرد چیست؟

محمد فتاحی

سوال بالا را فعالین ناسیونالیست کرد، خطاب به احزاب کردایتی طرح میکنند.

صفحه ۵

بیانیه، کارگران و فعالین کارگری سندج، در حمایت از اعتصابات سراسری کارگران پیمانی شرکت نفت و پتروشیمی!

صفحه ۷



کولبران قربانیان نظم و ارونه حاکمیت سرمایه

آسوسهامی

صفحه ۵

بیانیه جمعی از کارگران و فعالین کارگری سندج در حمایت از اعتراضات خوزستان، اعتصابات کارگری مراکز نفت و پتروشیمی و هفت تپه!

صفحه ۴

مادران آبان خونین ۹۸ در يك راهپیمایی سمبلیك به سمت میدان آزادی، با شعار "حمایت از جوانان خوزستان، حمایت از جوانان خود شماسنت"، شهروندان تهران را به پیوستن به اعتراضاتی که از خوزستان آغاز شده، دعوت کردند. تجمع اعتراضی مردم در برابر تئاتر شهر تهران، جلوه دیگری از این همبستگی سراسری را به نمایش گذاشت. شهروندان معترض در جریان این تجمع با شعارهایی از جمله "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "کشور آب ندارد، فشار ادامه دارد"، "خوزستان تا تهران، اتحاد، اتحاد"، "آبان فرزند ندارد، خوزستان آب ندارد" سر دادند. از طرف دیگر، کارگران هفت تپه در يك تصمیم گیری جمعی در هجدهمین روز از اعتصاب خود، به يك راهپیمایی سراسری در سطح شهر شوش دست زدند و در مقابل فرمانداری ضمن پافشاری بر اعلام اتحاد در صفوف خود، با سانسور و قطع اینترنت به مخالفت برخاستند و با کشمکش و مبارزه مردم خوزستان علیه این نظام عهد بستند. کارگران به درست اعلام کردند که نه تنها يك قدم از خواسته

آزادی، برابری، حکومت کارگری

چرا کردستان باید نبض خود را با اعتراضات سراسری تنظیم کند!

وریا نقشبندی

از گوشه و کنار ایران زبانه اعتراضات و اعتصابات بخش‌های مختلف کارگری در حال شعله ور شدن است. هر روز از یک مرکز کارگری یکی پس از دیگری اقدام به اعتراض و اعتصاب میکنند. در هفته‌های گذشته تا به امروز کارگران بیش از ۱۰۰ واحد کارگری صنعت نفت و پتروشیمی در اعتصاب بسر میبرند. موج این جنب و جوش اعتراضی استان به استان در حال شدت گرفتن است و می‌رود بخش‌های دیگر کارگری نیز را با خود همراه کند. فضای حمایت و پشتیبانی کارگران در ایران از همدیگر و هم از طرف نهادهای کارگری در سطح بین‌المللی از مبارزات کارگران ایران، شکوه و قدرت توصیف‌ناپذیری را در شهرگنجین مبارزاتی کارگران به جریان انداخته است. همچنین اعتراضات و تحصن معلمان، پرستاران و بازنشستگان گوشه دیگر از این جلوه فضای اعتراضی حاکم بر جامعه ایران به نمایش گذاشته است. مسئله کمبود آب و برق، خدمات بهداشتی و رفاهی برای شهروندان جامعه در دوره موج جدید کرونا، کلاف دیگری از زنجیر تعرضات امروز همه اقشار جامعه به ساختار دولتی و حکومتی جمهوری اسلامی میباشد.

همچنین شاهد دور دیگری از خیزشهای مردمی در بیشتر شهرهای استان خوزستان در اعتراض به نبود آب و برق هستیم. این اعتراضات تا به امروز به دیگر شهرهای ایران نیز سرایت کرده و هر روز وسیع‌تر میشود.

در بطن این اوضاع است که افقی طبقاتی کارگری و رادیکال بعد از دهه‌ها دوباره در جامعه تبدیل به قطب نمای مبارزات مزدبگیران و اکثریت جامعه شده است. در این اوضاع است که جنبشی مدعی، مطالبه‌گر و جسور در رویارویی با حاکمیت تا دندان مسلح، در حمله و تعرض به کل این ساختار نابرابر و غیر انسانی پا به میدان گذاشته است. گفته میشود که جمهوری اسلامی در بدترین دوره خود یعنی در استیصال و درماندگی برای کنترل جامعه قرار دارد. اما این نیمه پر لیوان است. جمهوری اسلامی حتی یک ذره از توحش و جنایت‌گری اش کم نشده. این سیستم با سرکوب و تحمیل فقر و فلاکت تا امروز دوام آورده، و از این به بعد هم مجبور به ادامه همان راه است. چاره دیگری ندارد. اما از معادلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دنیای امروز و جامعه ایران خبرهای دیگری به گوش میرسد. این تعدیل سرکوب نیست که پایین جامعه میتواند صدای حق خواهی خود را بلندتر از گذشته فریاد بزند بلکه به میدان آمدن طبقه ای است که درسهای یک انقلاب را در این همه سال بارها مرور کرده، نقاط قدرت و ضعف آن را یاد گرفته و سره را از ناسره تشخیص میدهد.

قطب‌بندیهای امروز در جامعه ایران با به میدان آمدن قدرتمند طبقه کارگر در هفت تپه و فولاد اهواز، بیش از صد واحد کارگری نفت، گاز و

کردن و نیرومند کردن قدرت اعمال اراده مردم مبارزه برای شکل دادن به قدرت خود پس از جمهوری اسلامی است. از هم اکنون باید دست به کار شکل دادن به ابزارها و نهادهای متحد کردن و متحد نگه داشتن مردم در محلات کار و زیست خود شد. بهترین زمان مناسب برای تشکیل شوراهای مردمی و گردانهای دفاع از آزادی و نان و امنیت در شهرهاست. ارگانهایی که قدرت مردم در پایین را نه تنها تضمین میکنند بلکه اجرا و اعمال میکنند. نهادهایی که کنترل امور جامعه را بدست میگیرند. در حالیکه این نظام عطای اداره امور جامعه را به لقای آن بخشیده است، وقتیکه مخازن آب را بروی شهرها بسته اند، نان را نمیدهند، واکسن نمیدهند، دسته جمعی اخراج میکنند، بیکار میکنند و از گرده کارگر بیگاری میکشند، قحطی و گرسنگی راه انداخته اند، کرور کرور شهروندان را حواله منجلاب فقر میکنند، وقتیکه آزادی را سلب و مشروط کرده اند، شریانهایی تنفس در جامعه را مسدود کرده اند، اینترنت را تحت کنترل خود درآورده اند، زمانیکه مشروعیت این نظام در چشم شهروندانش تماما بر باد رفته است، درست در چنین شرایطی که دولتی موجود نیست، هیچ چیز مشروع‌تر از قد علم کردن ارگانهایی مردمی اعمال حاکمیت توده ای در شهرها نیست!

هیچ چیز "قانونی" تر و قدرتمندتر از شوراهای و نهادهایی که از دل مبارزه مردم منجزر از حاکمیت و دولت، امور واقعی مردم شهر را میگردانند، نیست. زمانی که حاکمیت مسئولیتی را در قبال زندگی شهروندان جامعه قبول نمیکند، امنیت و نان و مدنیت را چه کسی تضمین میکند؟ چه نهادی مشروع‌تر از شوراهای مردمی میتواند با تکیه بر خرد جمعی، امورات شهر و محلات زندگی مردم را سازماندهی کند؟ وقتیکه موجودیت دولت بر باد رفته است، وقتیکه دولت عملاً در مشاهده توده‌های مردم به نهادی در برابر معیشت و آرمانهای پیشرو تبدیل شده است، بهترین فرصت مناسب برای ایمان آوردن طبقه کارگر به نیروی متشکل و اعمال اراده مستقیم خود از طریق متشکل شدن در شوراهای و مجامع عمومی جهت سيطرة بر اوضاع بحرانی موجود است. امروز روزی است که میتوان جنبش عظیم و گسترده مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی را به ابزار شوراهای مردمی در پایین مسلح کرد.

هیچ چیز نیرومندتر از تصمیم جمعی مردمی که در شوراهای خود بر سر پیشبرد امور جامعه و مبارزه متحد و همبسته شده اند، نیست. شهروندان جامعه را به اداره امور اوضاع با تکیه بر شوراهای مردمی بسنج کنیم!

زنده باد شوراهای مردمی!

زنده باد اعمال اراده مستقیم مردم!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱ اوت ۱۴۰۰

های خود عقب نخواهند نشست بلکه به "خشک مغزانی" که جامعه ایران را به ورطه قحطی، گرسنگی و بی‌آبی کشانده اند، هشدار دادند که دور نیست روزی که همه ما علیه شما متحد و همدرد شویم؛ نمایندگان کارگران در سخنرانی‌های کوبنده خود اعلام کردند که "زمانی در دوره مشروطه لیاخوف مجلس را به توپ بست، اما الان لیاخوف‌ها رفته اند در مجلس و از آن جا مردم را به توپ می‌بندند."

مردم آزادیخواه ایران!

اتحاد و همبستگی رادیکال و سراسری شما با خیزش مردم خوزستان، توصیف این واقعیت است که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران حول معیشت و رفاه و آزادی، هیچ مرز قومی، مذهبی و زبانی نمیشناسد. اعتراض به فلاکت، بیکاری و بی‌مسکنی، اعتراض به فقدان ابتدایی‌ترین نیازمندی‌های زنده ماندن و انسان ماندن، اعتراض به صف میلیونی و سراسری به وسعت کل جامعه ایران است. این جنبش که برای نان و آزادی از دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ تاکنون قدم پیش گذاشته است، روز به روز توسط رهبران کارگری و سوسیالیستها ابدیه‌تر و خودآگاه‌تر جلو آمده است. شما مردم آزادیخواه و تشنه رفاه و خوشبختی، در اعتراضات اخیر نه تنها کل محاسبات نظام و متعلقات آن را دوباره بر هم زدید بلکه یک گام دیگر این نظم و نظام ارتجاعی را به سمت پرتگاه سرنگونی نزدیکتر کرده اید.

جمهوری اسلامی در برابر اعتراض رو به گسترش شما فلج شده است. از یک طرف از خامنه‌ای تا روحانی و رئیسی و طرفدارانشان، یکی به نعل و یکی به میخ، برای مردم خوزستان و محرومان ایران اشک تماشیح میریزند و از طرف دیگر نیروهای سرکوبگر و یگانهای ویژه خود را "دزدکی" و شبانه به سمت منازل شما گسیل میدهند تا در خفا انگشت تهدید را به سمت شما و جوانان معترض و منجزر شما از نظام، نشانه بگیرند. این نظامی است که امروز بزدلانه، شبانه و "یواشکی" به خانه‌های شما یورش میبرد، دستگیر میکند، دوباره آزاد میکند، میترساند، ظاهر تعرض میگیرد اما در هراس از شما به سرعت در مقابل تعرض شما پا به فرار میگذارد. این حال و روز نظامی است که با هالوکاست دهه ۶۰ سر کار آمد و امروز در مقابل سنبه پر زور و متحد شما مردم ایران حول مسئله معیشت و رفاه و آزادی، سپر انداخته است؛ اینها را وحشت از سرنگونی به چهارمیخ کشیده است. "خطری که قرار است نظام را سرنگون کند" بیخ گوش همه‌شان، از سران سه قوه تا بیت رهبری دست بردارشان نیست؛ رویارویی بزرگ و جسورانه شما در اعتراضات سراسری اخیر در کنار اعتصابات قدرتمند کارگری که از مراکز نفت تا هفت تپه و ... در جریان است، تا هم اکنون تأثیرات عمیقی در خودآگاهی و روند رو به رشد سطح مبارزه و پیشروی شما گذاشته است.

کارگران سوسیالیست؛ رفقای کمونیست!

این دوران برای ما نه تنها دوران مبارزه متحدانه و سازمان یافته برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، که مهمتر از آن دوران بسیج هرچه بیشتر نیروی مردم حول ابزار قدرتمند

پتروشیمی، همه حتی ضد کارگری ترین احزاب و جریانات سیاسی ایران و همچنین احزاب ناسیونالیستی کردستان را به حرف آورده است. احزابی که تلاششان تا دیروز این بود که نه تنها رسیمی به این طبقه به عنوان یک قطب تعیین کننده در معادلات سیاسی ندهند بلکه آن را به عنوان سیاهی لشکر خود در تغییر رژیم از بالا پشت خود بسیج کنند.

تاجانیکه به کردستان برمیگردد، احزاب دست راستی کردستان همیشه سعی داشته اند که یک تعریف قومی از طبقه کارگر کردستان به دست دهند تا مانع یکپارچگی و اتحاد سراسری آنها شوند. به همان نسبت نیز تمام تلاششان این بوده که منکر یک طبقه به عنوان کارگر در کردستان شوند و همه را با یک هویت و برجسب به زیر پرچم قومی و ناسیونالیستی خود درآورند. مسئله فقر و نداری، نبود وسایل اولیه زندگی همچون آب و برق و ... امروز سراسر ایران را به خود مبتلا کرده. تعرض مردمی به دستگاه حاکمیت میرود تا بار دیگر لرزه ای بر همه ارکان سرمایه داری در ایران بزند. کارگران قدرتمندانه تر و متحدانه تر گلوی سرمایه داری ایران را گرفته اند و در این چهار دهه کارگران مراکز مختلف کارگری رهبران خود و سنت شورایی خود را در فضای مبارزات اقتصادی و سیاسی امروز جامعه ایران عرضه کرده اند. تمام تاریخ برده و برده دار، ارباب و رعیت، سرمایه دار و کارگر، داستان جدالی سخت و نابرابر اما شدنی برای برهم زدن نظم کهنه و به زیر کشیدن اقلیتی مفت خور از اریکه قدرت است. در تمام این تاریخ برده علیه برده دار شوریده، رعیت علیه ارباب و در عصر کنونی کارگر علیه سرمایه دار! نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی هرچقدر هم درنده و سرکوبگر باشد، اما بدون سیطره داشتن بر طبقه مزدبگیر آن جامعه و به تحمیق کشاندن آن، فلج و از کار خواهد افتاد. تعرض از پایین جامعه ایران به کل حاکمیت با خواست برابری و آزادی در جامعه، برای بازگرداندن قدرت به دست مردم و شوراها نکته برجسته این داستان می باشد. طبقه کارگر ایران، دشمن خود را ضعیف و ناچیز نمیداند بلکه آگاه به قدرت اتحاد و همبستگی خود شده است. تاریخ را باید از امروز، از قلب اعتصابات و اعتراضات کارگری دوباره نوشت.

اعتصابات و اعتراضات اخیر در ایران و نقش کردستان

کردستان دوران پرتلاطم و متفاوتی را به خود دیده. حساسیت جمهوری اسلامی بر این نقطه از ایران نیز شبیه هیچ جای دیگری نیست و نبوده است. برای این ادعا می توان به فاکت های برجسته تاریخی مراجعه کرد، به عنوان مثال در اوج سرکوب و اعدام مخالفان جمهوری اسلامی و بخصوص کمونیستها در دهه ۶۰، در دوره ای که نیروهای از جنس توده و اکثریت و غیره از آخور جمهوری اسلامی سردرآوردند، کردستان تبدیل به پایگاه تجدید قوای کمونیستها و یکی از مهم ترین جبهه های مبارزه آزادیخواهان و کمونیستها علیه جمهوری اسلامی شد. در دوره ای که سیاست ایجاد شوراها و اسلامی در مراکز تولیدی در دستور کار ضد انقلاب جمهوری اسلامی قرار گرفت،

کردستان و کارگران آگاه آن هیچگاه اجازه شکل گیری به آن را ندادند و در نهایت با توسل به دخالت قوه قهریه به دستگیری فله ای کارگران و اعدام تعدادی از رهبران و فعالین کارگری موفق به مستقر کردن این ارگانه های سرکوب و جاسوسی را در مراکز تولیدی شدند. در همان دوره اول ماه مه های کردستان نوری بود در تاریکی مطلق که جمهوری اسلامی بر جامعه کارگری ایران حاکم کرده بود. زیر پا له کردن مشروعیت جمهوری اسلامی در همه این سالها، برداشتن دوباره پرچم مراسمهای ۸ مارس ها در کردستان بعد از یک دوره رکود و سرکوب سراسری که به جنبش برابری طلبانه و آزادی خواهانه ایران تحمیل شد، اعتصابات عمومی کردستان در اعتراض به اعدام فرزند کمانگر در سال ۱۳۸۹، تنها نمونه های از صدها رزم و خروش انقلابی کمونیستهای کردستان با هارترین نظام مدافع سرمایه در منطقه بود.

اما پشت تمام این از خود گذشتگی ها و مبارزات صف وسیعی از مردم و فعالین جسور کمونیست در کردستان، یک واقعیت تلخ به شدت خونمایی میکند. این درجه از ظرافت بالای انقلابی و حق به جانب بودن تا زمانی که نبض خود را با نبض خروشی که سرتاسر ایران را دربرگرفته تنظیم نکند، با دستاوردهای که می بایست به دست بیاورد همخوانی ندارد. به بیان دیگر ضریب موفقیت اعتراض به وضعیت معیشت، بحران آب و برق، بیکاری، مسئله دستمزدها، بهداشت و خدمات، مسکن تا آزادی در تمام اشکال آن، برابری شهروندان، حقوق زنان، کودکان و ... بدون یک جنبش سراسری و همه گیر بسیار پائین خواهد بود. در فضای سیاسی امروز ایران یک فرصت تاریخی برای کمونیستها و آزادیخواهان در کردستان فراهم شده تا با فراغ بال بیشتری مردم معترض به فقر و فلاکت و استبداد و خفقان و سرکوب را حول این اعتراضات به میدان بیاورد. عقب ماندن کردستان از تعرض سراسری پایین جامعه و طبقه کارگر به دولت و کلیت جمهوری به عنوان مسبب وضع موجود، مخاطراتی به مراتب شدیدتری در اعمال سرکوب و نادیده گرفتن حقوق مردم کردستان را با خود به همراه خواهد داشت.

این عدم دخالت گری اعتراضی در کردستان، اجازه میدهد که جمهوری اسلامی با تمرکز بیشتری اقدام به سرکوب اعتراضات بخشهای سراسری بزند و از این جنبه به سود جمهوری اسلامی خواهد بود. کردستان همچون خوزستان و آذربایجان، لرستان و تهران و سراسر ایران از مشکل آب و برق رنج میبرد، از فقر و گرانی سراسری رنج میبرد، از تبعیض و سرکوب های سراسری رنج میبرد، و امروز آن فرصت تاریخی است که صدای حق طلبی و برابری طلبی خود را همراه با دیگر محرومان و ستمدیدگان ایران فریاد بزند و به عنوان یک تن واحد پایه های ظلم و نابرابری را به لرزه درآورد.

متحد و همصدا شدن طبقه کارگر، کمونیستها و آزادیخواهان و مردم محروم در کردستان با طبقه کارگر و اکثریت محروم ایران در فضای امروز، می تواند تضمین کننده ممانعت از پدید

آمدن سناریو سیاه توسط احزاب و گروههای نیابتی در کردستان در فردای بعد از جمهوری اسلامی باشد. برای کردستان، پیوستن به طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران در فردای کشمکش های سیاسی در این منطقه، برای رسیدن به برابری، رفاه و آسایش و برای رسیدن به آزادی مثل هوا واجب است. این تاریخ را باید از هم اکنون و دست در دست کارگران و دیگر محرومان ایران ساخت. از هم اکنون باید لشکر کارگران از زن و جوان و اقشار مختلف زحمتکش ایران، صف محکم و آهنین خود را برای جدالهای آینده تنیده تر کنند. رمز موفقیت مبارزات مردم در کردستان در گرو اتحاد و همبستگی سراسری با هم سرنوشتان و زحمتکشان ایران است.

کردستان را دوباره به سنگر مبارزات انقلابی و برابری طلبانه تبدیل کنید.

وریا نقشبندی

۲۰۲۱/۰

کارگران سوسیالیست، رفقای کمونیست

خیزش میلیونی مردم تشنه آب، آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی، سرتاسر ایران را فرا گرفته است. حاکمیت ارتجاعی و مستاصل از اراده جامعه، بیش از هر زمانی، ناتوان و زبون در مقابل مردم قرار گرفته است.

شما طبقه کارگر ایران، از هفت تپه پرچمدار پیشروی های تا به امروز تا فولاد، نفت و پتروشیمی و ... در جدالهای وسیع، قدرت این خروش و نقطه امید آن هستید!

زمان ایفای نقش تعیین کننده و سرنوشت ساز ما مدتها است فرا رسیده!

متحد کردن طبقه کارگر در شوراها و کارگری خود، در شوراها و مردمی محله و شهر رسالت و وظیفه شما است! جامعه چشم امید به شما دوخته است.

برای به پیروزی رساندن این خروش میلیونی دست به کار شوید!

بیانیه جمعی از کارگران و فعالین کارگری سنندج در حمایت از اعتراضات خوزستان، اعتصابات کارگری مراکز نفت و پتروشیمی و هفت تپه!

امروزه دیگر بر کسی پوشیده نیست که تمام بحران های کثیر موجود نتیجه سیاست های سرمایه دارانه نظام حاکم و مدیریت نادرست کار به دستان جمهوری اسلامی میباشد. تامین آب و برق، تضمین سلامت عمومی و فراهم نمودن کار برای همگی آحاد جامعه از ابتدایی ترین نیازها و حقوق شهروندی بشر امروز است. حدود دو هفته از شروع خیزش مردم آزادیخواه خوزستان میگذرد. خشمی که در اعتراض به بی آبی سر باز کرد و اکنون به روشنی درد مشترک اکثریت عظیم مردم ایران را با صدایی رسا فریاد میزند. درد فقر، بیکاری، استبداد، بی عدالتی و عدم تامین معیشت، دردی که یک سرش در خیابان های خوزستان و تبریز و تهران و کردستان است و سر دیگر آن در مراکز کارگری نفت و پتروشیمی و هفت تپه و فولاد!

عکس العمل حاکمیت مثل همیشه شناخته شده است. پاسخ آنها تهدید و کوچک شمردن حق حیات و سرکوب صدای نارضاایتی اعتراض برحق مردم است. غافل از اینکه کارگران، جوانان و مردم دردمند و به ستوه آمده ی خوزستان که تمامی افق های پیش رو را تیره و تاریک می بینند، درمان زخم های ناسور خود را در همبستگی سراسری جامعه ایران جستجو می نمایند و این صدا خاموش شدنی نیست.

ما کارگران و فعالین کارگری سنندج بدین وسیله حمایت و همبستگی بی دریغ خود را از اعتراضات گسترده ی مردم خوزستان، اعتصابات بزرگ کارگران نفت و پتروشیمی و هفت تپه اعلام نموده، و سرکوب و کشتار وحشیانه ی معترضین به وضعیت موجود را قویاً محکوم می کنیم؛ و با دلی اندوهگین یاد تمامی جان باختگان وقایع اخیر را گرامی داشته، و تسلیت و همدردی خود را نثار خانواده های داغدار این عزیزان می نمایم.

در پایان ضمن برحق دانستن تمامی خواست های مردم و کارگران معترض، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی بازداشت شدگان رویدادهای اخیر می باشیم؛ و همراهی و حمایت قاطع خود را از مبارزات امیدبخش خوزستان و اعتصابات نیرومند و درخشان کارگری اعلام می نمایم، و خواستار حمایت و همبستگی سراسری مردم از این مبارزات و اعتصابات می باشیم.

جمعی از کارگران و فعالین کارگری سنندج

چهارم مرداد ماه هزار و چهارصد

اطلاعیه دفتر: جنگ آب در خوزستان جنگ مردم کردستان هم هست!

مردم آزاده کردستان!

جنگ امروز با جمهوری اسلامی، جنگی سراسری برای یک رهایی همگانی از جهنمی است که جمهوری اسلامی برای هشتاد میلیون انسان در ایران ساخته است. این جنگ بر سر نان و آب و زندگی باید پیروز شود. پیروزی که در گرو اتحاد و همبستگی همگانی و قرار گرفتن در یک سنگر واحد برای منافع عمومی است. برای تقویت صفوف این اعتراض و این مبارزه مقدس، ما همه شما را در تمام شهرها و روستاهای کردستان، به پیوستن به صف اعتراض همگانی فرامیخوانیم.

جنگ علیه تبعیض، فقر، محرومیت و استبداد، باید صدای قوی تر و صفوف متحدتر و سراسری تری داشته باشد.

زنده باد مبارزات عدالت خواهانه مردم در خوزستان،

زنده باد جنگ مردم برای نان و آب و برابری و آزادی

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۴ مرداد ۱۴۰۰ - ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۱

مردم آزادیخواه!

طغیان میلیونی و متحدانه شما علیه بی آبی و بی برقی، گرانی و بیکاری؛ فقر و فساد و بی مسئولیتی انگلهای در حاکمیت، اعتراض به دهها و دهها درد بی درمان نشده جامعه هشتاد میلیونی به فقر و فلاکت کشیده شده ایران، باید به پیروزی برسد! برای پیشروی و پیروزی باید فوری در ارگانهای اعمال اراده خود، متحد شوید! در محل کار و محل زندگی، در شوراهای کارگری و مردمی، یا هر نهاد و ارگان و سازمان و شکلی که دخالت متحدانه و مستقیم شما از بطن جامعه را تضمین کند، متحد شوید! باید اداره امور را در محله، شهر و در همه مشاغل جامعه، بدست گرفت!

باید حاکمان مرتجع و نالایق، این حامیان نظام فقر، سود و استعمار را که نه توان و نه خواست برآورده کردن ابتدایی ترین خواسته های شما را ندارد، مرخص کرد و کنترل زندگی خود را بدست گرفت. حاکمیتی در کار نیست! باید مردم متشکل در شوراها حاکمیت کنند. برای دستیابی به «آزادی، رفاه، حکومت شورایی»، همین امروز، و فوراً دست به کار شوید!

شما شاهد اعتراضات مردم خوزستان برای آب هستید. شما شاهد ناتوانی و بی تفاوتی جمهوری اسلامی در تامین آب و برق برای میلیونها شهروند در خوزستان هستید. همه شما قربانیان بی مسئولیتی مطلق جمهوری اسلامی در تامین نان، آب، در تحمل فقر و فلاکت به زندگی میلیونها انسان هستید. مردم در خوزستان، در شهرهای متعددی علیه فقر و فلاکت و برای تامین ابتدایی ترین نیازهای شان، بویژه آب، درگیر یک اعتراض همگانی در جنوب کشوراند.

محدود ماندن این اعتراض علیه بی آبی، بی برقی، علیه خفقان و سرکوب به خوزستان برای فشار به حاکمیتی ارتجاعی و ضد مردمی و ناچار شدن به تامین آب آشامیدنی این منطقه کافی نیست. این جدال برای یک زندگی انسانی باید به پیروزی برسد. دو طرف این جدال دو پاسخ به این جدال میدهند؛ پاسخ جمهوری اسلامی ادامه بی تفاوتی همراه با دستگیری و فرار از رودرویی آشکار با مردم خشمگین و نهایتاً خستگی مردم خوزستان در مبارزه شان برای آب است. اگر رژیم با همین تاکتیک، در مقابل تک تک خواست های مناطق

مختلف کشور، پیش برود، نهایتاً مردمی خواهد داشت که علیرغم تنفر از جمهوری اسلامی، ناچار به تمکین و ادامه این زندگی جهنمی اند. پاسخ دوم پیوستن مردم در سراسر کشور نه فقط برای خواست آب در خوزستان و بخش اعظم ایران، بلکه برای نان و آزادی و برابری تک تک آحاد شهروندان در سرتاسر ایران است. این آن شرایطی است که جمهوری اسلامی ناچار است بین رفتن خود و تحویل جامعه به خود مردم، یا تامین فوری نیازمندی های مردم، یکی را انتخاب کند.

مردمان آزاده کردستان!

درد شما و مردم در خوزستان، تهران، اصفهان، رشت، تبریز و، یک درد مشترک است! نان، آب، برق، مسکن و یک زندگی شایسته، مطالبه مشترک میلیونها شهروند این جامعه است. بهم گره زدن این خواست و اعتراض برای دستیابی به رفاه و آزادی و برابری از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق، امروز یک ضرورت حیاتی برای رسیدن به خواست های مشترک میلیونی در سرتاسر ایران است.

طی چند روز گذشته شاهد پیوستن مردم در تبریز و اصفهان و شهرهای دیگر به اعتراضات مردم در خوزستان و گستره تر شدن صف این اعتراض و جدال و ناتوانی حاکمیت در تقابل با این اعتراضات و جلوگیری از گسترش آن بوده اید. وقت آن رسیده مردم آزادیخواه در کردستان با حمایت از مردم خوزستان و با پیوستن به این اعتراض سراسری، مبارزه آزادیخواهانه مردم در سرتاسر ایران را برای رفاه و آزادی قدرتمند تر کنند.

مردم!

کولبران قربانیان نظم و آروانه حاکمیت سرمایه!

محمد فتاحی

آسو سهامی

یکی از دوستان تعریف کرد که بعد از مدتها به توصیه دکتر، تصمیم گرفتم که کوهنوردی را شروع کنم و به همین منظور به قصد تهیه یک کفش مناسب به مغازه یکی از افراد خوشنام در تاناکورا مراجعه کردم. وقتی قیمت کفش ها را پرسیدم، برق از کله ام پرید و دلیل قیمت چند برابری کفشهای دست دوم خارجی را پرسیدم، مغازه دار با زبان چرب دلالی گفت که مگر نمی دانی این کفشها از مرز عراق می آید و وضعیت مرز خراب است و ما باید کلی هزینه به کولبران بپردازیم تا آنها از مرز عبور دهند. از ایشان تشکر کردم و از مغازه بیرون آمدم و با خود فکر می کردم که زحمت حمل این همه بار و وسایل موجود در بازار را انسانهای شریفی در مقابل حق دست ناچیزی که به آنها پرداخت می شود، به دوش می کشند و روزانه برای لقمه نانی، جان خود را به خطر می اندازند و از آنطرف منفعتش را سرمایه دار و دلالان به جیب می زنند.

روزی نیست که خبر کشته شدن و یا زخمی و ناقص العضو شدن کولبری به گوشمان نرسد. انگار ناف این مردم را با شنیدن خبر مرگ بریده اند. این موضوع آنقدر متداول و هر روزه شده است که کم کم خبر مرگ کولبران، باعث هیچ حساسیتی در جامعه نمی شود.

بنا به گزارش سازمان حقوق بشری ههنگاو، تنها در نیمه اول سال ۲۰۲۱، نود و هشت کولبر کشته و یا زخمی شده اند و در ماه ژوئن دستکم ۱۹ کولبر و کاسبکار در مرزهای گوردستان شته و زخمی شده‌اند، که اکثرا با شلیک مستقیم قربانی شده‌اند.

طبق آمار رسمی ارائه شده از سوی حاکمیت، میزان بیکاری ۲۰ درصد اعلام شده، که بی شک این آمار در استانهای مرزی غرب و شرق کشور بسیار بیش از این است. اگر حتی این آمار غیر واقعی رژیم را مبنا قرار دهیم، یعنی از هر صد نفر ۲۰ نفر بیکار هستند و صد البته این آمار نیمه جامعه یعنی زنان را نیز شامل نمی شود.

سوال اینجاست که این جمعیت عظیم، در کشوری که افراد بیکار هیچ نوع بیمه و حقوق بیکاری و یا منبع درآمدی ندارند، در کشوری که لشکر بیکاران سرگردان یافتن پر مخاطره ترین "شغل های" کاذب هستند، در چنین جامعه ای خانوارهای کارگری بیکار، مخارج خود را از کجا باید تامین کنند؟

در شهرهای مرزی کردستان دم دستترین و شرافتمندانه ترین راه موجود برای تامین لقمه نانی بخور و نمیر برای کارگر بیکار، پرخطرترین آن یعنی کولبری میباشد به این امید که شاید تغییری ایجاد شود و کاری دست و پا کنند، در حقیقت کولبری بازی کردن با مرگ است و هیچ تضمین جانی و مالی ندارد و باید جامعه را متوجه این موضوع کرد که کولبری نه

به صف میشوند و گهگاهی هم اسمی از فدرالیسم قومی می برند، همگی محصول این سرگردانی در فضای سیاسی امروزند. نتیجتا فعال ناسیونالیست میلیتانت و بی قرار، ناچار است تا روشن شدن مسیر سرنوشت اینها توسط دیگران، فداکاری بیشتر به خرج دهند و مثل رهبران شایسته جنبش شان، سیاست انتظار در پیش بگیرند و فعلا دندان روی جگر بگذارند تا ببینند خداهای شان کدامین سرنوشت را برای اینها رقم میزنند!

کسی که خیلی "کرد" است، باید بداند که انتظار برای تصمیم بالایی ها، یکی از ارکان تعلق به جنبش ناسیونالیستی است! بله انتظار برای تصمیم آنهایی که بعدا گفته میشود "به کرد خیانت کرد!"

برای مردمان تشنه آزادی و رهایی از جهنم اسلامی اما، برای کسی که درد نان و معیشت و آزادی دارد، برای کارگر و زحمتکش و زن و جوان امروزی همراهی با مردم و طبقه کارگر در ایران و پیوستن به سیل خروشان آنها، برای رسیدن به یک جامعه شایسته، تنها مسیری است که باید بیدرنگ و بدون انتظار، در پیش گرفت!

۲۰۲۱/۰۸/۰۱

دیگر بس است!

برای گرفتن حقوق انسانی، نان سفره و سلامت و امنیت مان متمد شویم

فقر بس است، فرودستی و مسرت دیگر بس است.

هر چه بیشتر کار میکنیم بیشتر

استثمارمان میکنند ...

هر چه دندان روی مگر میگذاریم،

طناب تازه تری دور گردنمان

می اندازند...

از جان ما چه میخواهند؟ آسایش را

از تن ما، شادی را از لبهای ما، عشق

را از قلب های ما و کودکانمان را از

آغوش ما ربوده‌اند.

دیگر بس است، صبر و باور بیهوده

دیگر بس است.

جمع شویم و عهد ببندیم که از فود،

خانواده فود و از کرامت طبقاتی مان

دفاع کنیم.

سوال بالا را فعالین ناسیونالیست کرد، خطاب به احزاب کردایتی طرح میکنند.

در دوره پر تحول امروز ایران که از چهار گوشه این کشور مطالبه نان و آب و برق و معیشت طرح میشود و آلترناتیوهای راست و چپ در مقابل جامعه پرچمهای خود را برای ایران پسا جمهوری طرح کرده اند، سوال واقعی فعالین ناسیونالیست کرد از طرف احزاب سیاسی شان، بی جواب مانده است.

دلیل این مشکل، سردرگمی ناسیونالیسم در شرایط امروز است؛ تا جایی که به مبارزه مردم برای نان و آب و معیشت برمیکردد، ناسیونالیسم کرد ابزار رسیدن کسی به نان و آب و معیشت نیست. از این نظر در مقایسه با تمام رگه های سیاسی در اپوزیسیون ایران، ناسیونالیسم کرد از همه آسوده تر و بی غم تر و بی مسئولیت تر است. تا جایی هم که به طرح سرنوشت سیاسی جامعه هم برمیکردد، سیاست اینها دنباله روی از دولت های حامی در منطقه و بویژه دولت امریکا است. و از آنجایی که سیاست دولت امریکا در مقابل جمهوری اسلامی، چیزی در مایه رژیم پنج نیست، اینها مانده اند که برای تعیین یک سیاست روشن به کدامین قبیله سیاسی پناه برده و آرزوهای شان را سوار بر عرشه کدامین کشتی قدرت های منطقه به واقعیت تبدیل کنند؛ این همان سرنوشت نامعلوم است که بعداز شکست هر باره، اینها را به توبه می کشاند و بر سر خود می کوبند که این بار هم مثل همیشه، فریب خور ده بوده اند!

اما خارج از این فاکتورها، احتمال روئیت نوری هر چند ضعیف در انتهای این تونل تاریک، برای اینها یک احتمال است؛ جمهوری اسلامی تضعیف شده و در خطر سرنگونی، میتواند شروع ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی را فرصتی بیابد تا اپوزیسیون ناسیونالیست کرد را مشغول سرگرمی "مذاکره" کرده و در مقابل سیل تعرض جامعه به خود، "کردها" را به همکاری با خود فرابخواند و از طریق طرح مذاکره، آنها را وسیله تولید توهم به رژیم کند، و از این طریق، زمینه سیاست تولید تفرقه در صفوف مردم علیه خود را فراهم کند. هر چند جمهوری اسلامی برای این کار، گزینه جلب همکاری ناسیونالیست های کرد داخل کشور را هم دارد، که طیف وسیع اصلاح طلبان کرد را شامل میشود که برای این کار خود را از احزاب ناسیونالیست کرد، شایسته تر میدانند و به نظام هم نزدیک ترند...

اگر پروژه کشدار به هم پیوستن دو شاخه دمکرات ها از یک طرف و دو جناح زحمتکشانی ها از طرف دیگر، هنوز به جایی نرسیده است، صرفنظر از هر مشکل سیاسی و غیر سیاسی دیگر، بخشا به همین سرگردانی سیاسی گره خورده است. اگر شاخه هایی از اینها روزی پشت "شورای گذار" ناسیونالیست های ایرانی میروند و روز دیگر پشت شاهزاده شان

یک شغل، بلکه یکی از خطرناک ترین راه برای امرار معاش این بخش از طبقه کارگر بیکار است.

سرمایه داری ایران که از لحاظ کمی و کیفی و به دلیل وجود بحرانهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود توانایی رقابت را ندارد، علت ورشکستگی خود را نه در عدم توانایی و نه در بحران عمیق خود، بلکه آن را معلول ورود بی رویه کالاهای خارجی می داند. رژیم از یک سو با کنترل مرزها نشان می دهد که ورود اجناس خارجی را کنترل می کند، از دیگر سو مافیای حکومت و سپاه پاسداران انحصار ورود کالا را به داخل کشور در اختیار دارد.

قربانیان واقعی این سیستم در نهایت مردم کارگر و زحمتکش و کولبرانی هستند که برای زنده ماندن و درآمد چندرغازی مجبورند در کمینگاه ها و میدانهای مین به کام مرگ بروند. این زندگی واقعی انسانهایی است که برای سیر کردن شکم خانواده شان از جهنمهای مرزی باید عبور کنند و اگر شناس یارشان باشد زنده بمانند. این نماد یک زندگی کارگری است که این سیستم تا مغز استخوان ضد انسانی، این سرمایه داری هار مسبب است.

باید به این دور باطل و این لجنزار بورژوا اسلامی پایان داد. باید این نظم وارونه را برهم زد. اما تا امروز و تا جaro کردن تمام وکمال این کثافت و لجنزار بورژوایی، باید از همین امروز با اتحاد، با اعتراض و ایجاد جنبشی بزرگ و گسترده، تمام مطالبات انسانی و رفاهی، تمام مطالبات معیشتی و بیمه های اجتماعی و ... را به حاکمیت تحمیل کرد. باید همین امروز مسببین این نظم وارونه را با قدرت طبقاتی، با قدرت اتحاد و سازمان به زانو در آورد. این کار ممکن است و باید متحد شد، باید سازمان ایجاد کرد و باید با جنبش سراسری کارگری برای نان، آزادی و رفاه همراه شد.

باید خاطر نشان کرد که دلالت و بنگاه های سود اندوزی سرمایه داری محلی نیز در استانهای مرزی، در این رقابت به دنبال منافع شخصی خود و شریک این جنایات هستند و تلاش کرده اند که از طریق روابط و فشار بر نمایندگانشان در مجلس و از طریق گشودن بازارهای مرزی و سعی کرده اند که کولبری را به عنوان یک شغل رسمیت دهند و آنرا به جامعه معرفی کنند.

با این حساب آنها نیز می خواهند در این بلبشو سود کلان خود را به جیب بزنند، می خواهند با یک تیر، دو هدف را نشانه بگیرند. از یک سو، از زیر بار مسئولیت در قبال جامعه و ایجاد مراکز تولیدی و ایجاد کارخانه خالی کنند و از سوی دیگر مردم بیکار و گرسنه این منطقه را به دنبال نخود سیاه فرستاده و به این شیوه، ذهن آنها را از ریشه یابی تمامی بدبختی های جامعه منحرف کنند و به قیمت جان انسانها به ثروت یک تعداد سرمایه دار، دلالت و انگل بیافزایند.

در کشوری که حاکمیتش از زیر بار هر گونه خدمات اجتماعی شانه خالی می کند، در کشوری که انواع بیماری های واگیر همانند "کرونا" روزانه مردم را به کام مرگ می فرستد، در کشوری که نا امن بودن جاده ها سالانه جان هزاران نفر را می گیرد، در

کشوری که حاکمیتش حتی توانایی تامین آب و برق را ندارد، در کشوری که هر گونه صدای اعتراضی با شکنجه، زندان و شلاق پاسخ می گیرد، در کشوری که کارگران برای احقاق حقوق خود به بی دادگاه های رژیم کشانده می شوند، در کشوری که به دلیل نبود امکانات، هر حادثه کوچک طبیعی منجر به مرگ، آوارگی و بیماری مردم می شود، باید برای بزیر کشیدن حاکمانش حتی یک روز تاخیر نکرد. آنها ایران را به قیمت ساختن جهنمی برای طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه به مرکز پول اندوزی و کسب سرمایه های افسانه ای برای عده ای قلیل سرمایه دار تبدیل کرده اند. رژیم جمهوری اسلامی مسبب تمامی بدبختی هاست و حتی حاضر به پاسخگویی نیست و شعور مردم را به سخره می گیرد.

زمان آن فرا رسیده است که پیشروان و فعالین کارگری، مدنی، زنان و مردم آزادیخواه کردستان از شعار "نه به کشتن کولبران" و شعارهایی از این قبیل عبور کنند و با انسجام، مبارزات خود را با طبقه کارگر ایران در سطح سراسری پیوند دهند. اکنون که جنبشی سراسری برای رفاه، آزادی و بهبود شرایط زندگی در مقیاسی گسترده به راه افتاده است. اکنون که طبقه کارگر در راس این جنبش برای آزادی، برابری و رفاه قرار گرفته و جامعه را حول خود قطبی کرده است و امید به تغییر و تحول عمیق در جامعه یکبار دیگر عروج کرده است، کارگران در کردستان به عنوان بخشی از طبقه کارگر ایران باید وسیعا به این جنبش برابری طلبانه وصل شوند. در کردستان که همیشه سنگر دفاع از آزادی و برابری بوده، همراه شدن و پیوند با این جنبش سراسری قطعا در دستور رهبران و فعالین کمونیست قرار خواهد گرفت و این کمترین انتظاری است که از کمونیستهای طبقه کارگر در کردستان می رود تا با ایجاد تشکل و اتحادی سراسری با دیگر کارگران، صفوف خود را منسجم تر کنند و راسخ تر مبارزات خود را به پیش برد.

تامین زندگی کارگران، تامین رفاه و درمان و امنیت جامعه به عهده حاکمیت است. کولبری شغل نیست و فرستادن کارگر به کام مرگ است. تامین بیمه بیکاری برای بیکاران خواستی سراسری در تمام ایران است. مقابله با بیکاری، تامین یک زندگی شرافتمندانه، درمان و دکتور و تحصیلات رایگان، حق تشکل و تجمع و اعتصاب، ابتدایی ترین حقوق انسانی است.

کولبران و دیگر پیشروان کارگری باید همگام با این اعتراضات، با تحصن، تجمع و اعتصاب در جلو مراکز دولتی، خواست بیمه بیکاری، درمان رایگان را با صدای بلند فریاد بزنند و آنرا به رژیم تحمیل کنند.

تحمیل این خواستها و هر مطالبه دیگر کارگری، در گرو اتحاد کارگران با شاغل و بیکار است. کارگران در کردستان بخشی از یک طبقه واحد کارگری در کل ایران اند. امروز حمایت از جنبش سراسری و پیوستن به آن، تجمع در هر مرکز کاری، در مقابل هر ارگان حاکمیت و طرح مطالبات خود و فشار به حاکمیت، به کارفرمایان در کردستان، راه

مقابله رسیدن به هر خواست و مطالبه ای است. به جای شعار "نه به کشتن کولبران" باید جامعه را علیه حاکمیت و علیه شرکای سرمایه دارشان در کردستان شوراند.

اکنون که بیش از صدها مرکز کارگری و هزاران کارگر صنعت نفت، گاز و پتروشیمی در اعتصاب سراسری هستند و لرزه به پیکره ضعیف و مفلوک رژیم جمهوری اسلامی انداخته اند، امروز که اعتراضات محرومین و زحمتکشان جامعه اینبار به نبود آب و برق میرود که ادامه دهنده خیزشهای دی ماه ۹۶ و آبان باشد، اکنون که رژیم بیش از هر زمانی در ضعیف ترین وضعیت قرار دارد، اکنون که روزانه شاهد اعتراضات مردم محروم جامعه در برابر رژیم هستیم، اکنون که توازن قوا به نفع جنبش کارگری تغییر پیدا کرده است، اکنون بیش از هر زمانی، وقت آن رسیده است که کارگران در کردستان یک گام دیگر به پیش بردارند و خواست و مطالبات رفاهی و انسانی خود را به این رژیم تحمیل کنند تا دیگر شاهد مرگ عزیزانشان برای بدست آوردن لقمه نانی نباشند. و این امکان پذیر نیست مگر با پیوند مبارزات خود با دیگر همزمانشان در سطح سراسری.

۲۰۲۱/۰۷/۲۵

طبقه کارگر، برخلاف

کلیه طبقات فرودست

در تاریخ پیشین جامعه

بشری، نمیتواند آزاد

شود بی آنکه کل

بشریت را آزاد کند.

از: یک دنیای بهتر،

برنامه حزب

کمونیست کارگری -

حکمتیست

نینا

نشریه دفتر کردستان حزب
حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: وریا نقشبندی

Verya.naksh@gmail.com

تلگرام حزب

[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

فیسبوک حزب

[Facebook.com/HekmatistX](https://www.facebook.com/HekmatistX)

راديو نينا

Radioneena.com

اینستاگرام راديو نينا

[Instagram.com/radioneena/](https://www.instagram.com/radioneena/)

تماس با خرب

دبیر خانه: هساره ابراهیمی

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سایت آرشیو

آثار منصور حکمت

Hekma.public-archive.net

بیانیه، کارگران و فعالین کارگری سنندج، در حمایت از اعتصابات سراسری کارگران پیمانی شرکت نفت و پتروشیمی!

سعیدی 17_ نامق بابا خانی 18_ حامد محمودی نژاد 19_ عباس اندریانی 20_ پروین نامداری 21_ بهزاد زمانی 22_ صدیق فتاحی 23_ رفیق کریمی 24_ احمد قمری 25_ عبدالله خانی 26_ سعید محمدی 27_ زانیا رباغیان 28_ محمد خان گویلیان 29_ شادمان بنی بشر 30_ حسن حسن آبادی 31_ حسین قمری 32_ رحمان رحیمی 33_ آرام زندی 34_ پیام فتاحی 35_ خلیل کریمی 36_ شمس الدین مرادی 37_ جمال کاظمی 38_ حمید صادقی 39_ طیب چتانی 40_ خبات دهدار 41_ فرهاد زندی 42_ بهنام فاتحی 43_ جواد اسماعیلی 44_ صدیق امجدی 45_ محمد مرادی 46_ مظفر اسدی 47_ مریم میره کی 48_ گلباغ بهمنی 49_ فواد زندی 50_ ادیب سوره بومه 51_ فرامرز شریعتی 52_ ابوالحسن کمانگر 53_ جلیل دانایی 54_ حسن قادری 55_ ارس کریمی 56_ توفیق اسدی 57_ دلیر نصرالهی 58_ زانیا پورعابدی 59_ علی سهرابی 60_ اشرف پیرخضری 61_ آرمان محمدی نوره 62_ شریف ساعدینا 63_ هاوژین لطیفی 64_ علی صالحی 65_ جبار قادری 67_ موسی محمدی نوره 68_ وریا قمری 69_ عدنان فتحی 70_ آرمان نوری زاد 71_ پیشگو فاتحی 72_ غلامرضا شریفه 73_ فرشاد فتحی 74_ پریسا خانزادپور 75_ سید هادی احمدی 76_ فرهاد چتانی 77_ بهزاد عزیزی 78_ هوشیار چتانی 79_ رحمت محمدی نوره 80_ کاوه احمدی 81_ مهدی غفاری 82_ عمران غفاری 83_ آزاد محمدی نوره 84_ حامد محمدی نوره 85_ نامق نوری 86_ افسر کریمی 87_ کاوه کریمی 88_ صفر صادقیان 89_ صالح خداکریمیان 90_ یونس کریمه 91_ سید مهدی نقشبندی 92_ جلال خدامرادی 93_ عدنان قادری 94_ حیدر آخته 95_ ابراهیم صادقیان 96_ رامین صالحی 97_ صالح اورامی نژاد 98_ محمد استادی 99_ عزت گویلیان 100_ محمد گویلیان 101_ فریدون زمانی

امروزه دیگر، بر کسی پوشیده نیست که جوش و خروش طبقه کارگر ایران تابع فراز و فرودهای اقتصادی جامعه بوده، و تکانه‌های ریز و درشت جنبش کارگری همواره نمایانگر سطوح مختلف بحران‌های مختلف آن می‌باشد.

در پرتو چنین رهیافتی و با نظر داشت این واقعیت که اعمال سیاستهای خصوصی سازی با هدف هر چه ارزانتر کردن نیروی کار کارگران تا چه اندازه ای زندگی زحمتکشان و توده‌های به تنگ آمده از ستم و نابرابری را با فقر و فلاکت روز افزون روبه رو کرده است، و تا جایی که ما هر روز شاهد گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری در جای جای این کشور پهناور می‌باشیم.

پیرو همین اعتراضات و اعتصابات روز افزون کارگری و اجتماعی، در روزهای اخیر شاهد بودیم که کارگران پیمانی صنایع نفت و پتروشیمی نقاط مختلف کشور در اعتراض به پایین بودن دستمزدها، نبود مرخصی متناسب با سختی کار، وضعیت قراردادهای کاری، شرایط غیراستاندارد محیط‌های کار و همچنین وضعیت آسفناک خوابگاه‌هایشان، دست به اعتصابات گسترده‌ای زده، و خواستار محقق شدن فوری مطالباتشان شدند. کارگران به صراحت در بیانیه خود اعلام کرده‌اند که "ما خواهان تحقق حقوق پایه‌ای و برخوردار از درمان و تحصیل رایگان برای همه‌ی مردم هستیم". کارگران نفت، آن رهبران سرسخت دیروز در گام نخست دیوار جداسازی با سایر کارگران در بخش‌های مختلف را فرو ریخته و در قامت بخش پیشرو و مبارز طبقه کارگر ظاهر شده، و با همبستگی و اتحاد خود خواستار سراسری شدن اعتصابات و مبارزات کارگری شدند.

ما کارگران و فعالین کارگری امضای کننده این بیانیه در سنندج، ضمن اعلام حمایت گسترده از این حرکت و تلاش برای پیروزی آن، بر هم سرنوشتی یکایک اعضای طبقه کارگر در ایران تاکید می‌ورزیم؛ و همصدا با سایر هم طبقه‌ای‌هایمان رفاه، امنیت شغلی، حق ایجاد تشکل مستقل کارگری و حق اعتصاب و اعتراض در محیط کار را جزء بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق کارگران می‌دانیم، و تهدید به اخراج هفتصد کارگر شاغل در پالایشگاه تهران را به شدت محکوم می‌کنیم.

اسامی امضا کنندگان:

1_ یدالله قطبی 2_ خالد حسینی 3_ مظفر صالح نیا 4_ مجید حمیدی 5_ هاشم رستمی 6_ شیت امانی 7_ غالب حسینی 8_ آرمین شریفه 9- برهان سعیدی 9_ لطف الله احمدی 10_ جلیل محمدی 11_ صدیق محمودی 12_ زاهد مرادیان 13_ مریم صادقی 14_ صدیق صبحانی 15_ ایوب محمدی 16_ بختیار

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم

بدون امید سوسیالیسم

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلابی تبدیل خواهد شد.

منصور حکمت

زنده باد انقلاب کارگری